



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ نشانه‌های ظهور مهدی و فتنه‌های آخر الزمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: علی علوی

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰

منظور از مسیح دجال یا ضد مسیح که در احادیث سنی و شیعه آمده کیست؟ آیا درست است که برای شناخت امام مهدی باید دجال را هم بشناسیم؟ دجال شخص است یا جریان؟ آیا هم اکنون زنده است؟ امام مهدی چگونه دجال را می‌کشد؟ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که دجال همان ابن صیاد است. آیا ابن صیاد همان دجال است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰

لطفاً به نکات زیر توجه کنید:

۱. منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب ارزشمند خود «بازگشت به اسلام»^۱، پرده از وجود شبکه‌ی شیطانی مخفی و گسترده‌ای در جهان برداشته است که تحت اشراف و مدیریت شخص شیطان و با اتحاد غیر رسمی بزرگ‌ترین قدرتمندان مفسد و ثروتمندان ملحد از یک سو و کاهنان یهودی و جادوگران شیطان‌پرست از سوی دیگر، مشغول زمینه‌سازی برای تحقق حاکمیت بی‌پرده‌ی شیطان بر جهان است. حاکمیت بی‌پرده‌ی شیطان، هنگامی تحقق می‌یابد که «خلیفه‌ی شیطان» در جهان به حاکمیت دست یابد تا به نمایندگی از جانب او، احکام او را بر جهان جاری سازد. این «خلیفه‌ی شیطان» انسانی است که به او «دجال» گفته می‌شود، هر چند در اصل از «ذریه‌ی شیطان» است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا﴾^۲؛ «آیا پس شیطان و ذریه‌ی او را حاکمانی جز من می‌گیرید در حالی که آن‌ها دشمن شما هستند؟! بد جایگزینی برای ظالمانند!».

۱. ص ۱۷۰

۲. الکهف/ ۵۰

۲. در برابر این شبکه‌ی شیطانی مخفی و گسترده که با مرکزیتی در غرب، مشغول زمینه‌سازی برای تحقق حاکمیت «دجال» بر جهان به عنوان «خلیفه‌ی شیطان» است، شبکه‌ی الهی مخفی و گسترده‌ای در حال شکل‌گیری است که با مرکزیتی در شرق، مشغول زمینه‌سازی برای تحقق حاکمیت «مهدی» بر جهان به عنوان «خلیفه‌ی خداوند» است. این دو شبکه، به زودی وارد رقابتی تنگاتنگ و نفس‌گیر مانند رقابت دو اسب مسابقه برای رسیدن به منطقه‌ای مهم در جهان خواهند شد؛ زیرا هر کس زودتر به آن منطقه در جهان دست پیدا کند، پیروز این رقابت خواهد بود و خوشا به حال کسانی که با شبکه‌ی الهی همراه می‌شوند، هر چند در این رقابت شکست بخورد و بدا به حال کسانی که با شبکه‌ی شیطانی همراه می‌شوند، هر چند در این رقابت به پیروزی برسد.

۳. منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در برخی از حکمت‌های خود فرموده است: **«إِنَّ الدَّجَالَ لَقَبٌ كَفْرَعُونَ يَتَوَارَثُهُ رِجَالٌ مِنْ آلِ إِبْلِيسَ»**^۱؛ «هرآینه دجال لقبی مانند فرعون است که مردانی از آل ابلیس آن را از هم ارث می‌برند!». این به آن معناست که در علم این عالم، «دجال» نام ظاهری «خلیفه‌ی شیطان» نیست، بل عنوانی عام مانند «فرعون» است که در هر زمان، بر عالی‌ترین مقام شبکه‌ی شیطانی اطلاق می‌شود و با این وصف، هیچ زمانی خالی از «دجال» نیست؛ همچنانکه خالی از «مهدی» نیست؛ چراکه «دجال» خلیفه‌ای از جانب شیطان در مقابل خلیفه‌ای از جانب خداوند است و هر خلیفه‌ای از جانب خداوند، «مهدی» شمرده می‌شود؛ با توجه به اینکه «مهدی» نام ظاهری «خلیفه‌ی خداوند» نیست، بل عنوانی عام مانند «امام» است که در هر زمان، بر عالی‌ترین مقام شبکه‌ی الهی اطلاق می‌شود؛ چنانکه خداوند درباره‌ی ابراهیم علیه السلام فرموده است: **«وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۗ كُلًّا هَدَيْنَا ۗ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ»**^۲؛ «و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم؛ همه‌ی آنان را هدایت کردیم و نوح را از پیش هدایت کردیم» و این یعنی همه‌ی آنان «مهدی» بودند. با این وصف، ممکن است که ابن صیاد دجال زمان خود بوده باشد؛ همچنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مهدیّ زمان خود بود، ولی بدون شک ابن صیاد دجال زمان ما نیست؛ همچنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مهدیّ زمان ما شمرده نمی‌شود؛ بل دجال زمان ما، امام شبکه‌ی جهانی شیطانی است که گروهی در غرب برای ظهور او زمینه‌سازی می‌کنند؛ چنانکه خداوند فرموده است: **«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»**^۳؛ «و آنان را امامانی قرار دادیم که به سوی آتش دعوت می‌کنند» و مهدیّ زمان ما، امام شبکه‌ی جهانی الهی است که گروهی در شرق برای ظهور او زمینه‌سازی می‌کنند؛

۱. گفتار ۱۱۷، فقره‌ی ۷

۲. الأنعام / ۸۴

۳. القصص / ۴۱

چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾^۱؛ «و آنان را امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌کنند» و نزاع آن دو با یکدیگر ادامه خواهد یافت، یکی از جانب شرق و دیگری از جانب غرب، تا هنگامی که «مسیح خداوند» به جهان بازگردد و میان آن دو به حق قضاوت فرماید. مانند سخن ما درباره‌ی ابن صیاد را جماعتی از اهل علم نیز گفته‌اند؛ چنانکه ابن بطال (د. ۴۴۹ق) گفته است: «إِنْ وَقَعَ الشُّكُّ فِي أَنَّهُ الدَّجَالُ الَّذِي يَقْتُلُهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمْ يَفْعَ الشُّكُّ فِي أَنَّهُ أَحَدُ الدَّجَالِينَ الَّذِينَ أَنْذَرَ بِهِمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۲؛ «اگر در این شک باشد که او دجالی است که عیسی بن مریم صلی الله علیه و سلم او را می‌کشد، در این شکی نیست که او یکی از دجالانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی آنان انذار داده است» و بیهقی (د. ۴۵۸ق) در آنچه از او حکایت شده گفته است: «إِنَّ الدَّجَالَ الْأَكْبَرَ الَّذِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ غَيْرُ ابْنِ صَيَّادٍ، وَكَانَ ابْنُ صَيَّادٍ أَحَدَ الدَّجَالِينَ الْكُذَّابِينَ الَّذِينَ أَخْبَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِخُرُوجِهِمْ»^۳؛ «دجال اکبری که در آخر الزمان خروج می‌کند کسی جز ابن صیاد است و ابن صیاد یکی از دجالان کذابی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خروجشان خبر داده بود» و عبد الغنی مقدسی (د. ۶۰۰ق) گفته است: «كَانَ ابْنُ صَائِدٍ دَجَّالًا صَغِيرًا سَنَّ غَيْرَ الدَّجَالِ الْأَكْبَرِ»^۴؛ «ابن صائد دجالی کوچک غیر از دجال اکبر بود» و نووی (د. ۶۷۶ق) از علما حکایت کرده است: «قِصَّةُ ابْنِ صَيَّادٍ مُشْكِلَةٌ وَأَمْرُهُ مُشْتَبَهٌ فِي أَنَّهُ هَلْ هُوَ الْمَسِيحُ الدَّجَالُ الْمَشْهُورُ أَمْ غَيْرُهُ، وَلَا شَكَّ فِي أَنَّهُ دَجَالٌ مِنَ الدَّجَالَةِ»^۵؛ «قصه‌ی ابن صیاد مشکل است و امر او مشتبه است که آیا مسیح دجال مشهور بوده یا کسی دیگر، ولی شکی نیست که او دجالی از دجالان بوده است» و ابن کثیر (د. ۷۷۴ق) از برخی علما حکایت کرده است: «ابْنُ صَيَّادٍ كَانَ بَعْضَ الصَّحَابَةِ يَظُنُّهُ الدَّجَالَ الْأَكْبَرَ، وَلَيْسَ بِهِ، إِنَّمَا كَانَ دَجَّالًا مِنَ الدَّجَالَةِ صَغِيرًا»^۶؛ «برخی صحابه می‌پنداشتند که ابن صیاد همان دجال اکبر است، در حالی که نبود، او تنها دجالی کوچک از دجال‌ها بود» و گفته است: «الصَّحِيحُ أَنَّ الدَّجَالَ غَيْرُ ابْنِ صَيَّادٍ، وَأَنَّ ابْنَ صَيَّادٍ كَانَ دَجَّالًا مِنَ الدَّجَالَةِ، ثُمَّ تَابَ بَعْدَ ذَلِكَ، فَأُظْهِرَ الْإِسْلَامَ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِصَمِيرِهِ وَسَرِيرَتِهِ»^۷؛ «صحیح این است که دجال کسی غیر از ابن صیاد است، بلکه ابن صیاد دجالی از دجال‌ها بود، سپس بعد از آن توبه کرد و اظهار اسلام نمود و خداوند بهتر می‌داند که در ضمیر و قلب او چه بود».

۱. الأنبياء / ۷۳

۲. شرح صحیح البخاری لابن بطال، ج ۱۰، ص ۳۸۷

۳. ابن حجر آن را در فتح الباری حکایت کرد (ج ۱۳، ص ۳۲۶).

۴. أخبار الدجال للمقدسی، ص ۱۰

۵. شرح صحیح مسلم للنووی، ج ۱۸، ص ۴۶

۶. البداية والنهاية لابن کثیر، ج ۱۹، ص ۱۲۶

۷. النهاية في الفتن والملاحم لابن کثیر، ج ۱، ص ۱۷۳

تعليقات
پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

پرسش فرعی ۱

نویسنده: همایون دانش

تاریخ: ۱۳۹۴/۱/۱۴

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که دجال در زمین چهل روز خواهد ماند که یک روز آن مانند یک سال و یک روز آن مانند یک ماه و یک روز آن مانند یک هفته و روزهای دیگرش مانند روزهای شما خواهد بود. برخی این روایت را تأویل می‌کنند و می‌گویند که منظور از آن سه دوره‌ی زمانی مختلف از سلطه‌ی قدرت‌های کافر غربی در دو قرن اخیر بوده است. آیا این تأویل درست است؟

پاسخ به پرسش فرعی ۱

تاریخ: ۱۳۹۴/۱/۱۵

اخبار رسیده درباره‌ی خروج دجال متواترند، ولی خبر رسیده درباره‌ی مدت ماندن او در زمین، خبر واحدی است که عبد الرحمن بن یزید بن جابر به تنهایی از یحیی بن جابر طائی، از عبد الرحمن بن جبیر بن نفیر، از پدرش، از نواس بن سمعان کلابی، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است^۱ و شکی نیست که خبر واحد موجب علم نمی‌شود، اگرچه اسنادش نزد اهل حدیث صحیح باشد و از همین رو، اعتقاد به چیزی که این خبر در بر گرفته است جایز نیست؛ خصوصاً با توجه به اینکه اسماء بنت یزید خلاف آن را روایت کرده و گفته است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَمُكْتُ الدَّجَالَ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، السَّنَةُ كَالشَّهْرِ، وَالشَّهْرُ كَالْجُمُعَةِ، وَالْجُمُعَةُ كَالْيَوْمِ، وَالْيَوْمُ كَالصَّبْرَامِ السَّعْفَةِ فِي النَّارِ»^۲؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دجال در زمین چهل سال درنگ می‌کند که هر سال آن مانند یک ماه و هر ماه آن مانند یک هفته و هر هفته‌ی آن مانند یک روز و هر روز آن مانند شعله‌ور شدن شاخه‌ی درخت خرما در آتش است».

و اما تأویل یاد شده صرفاً یک ظن و تخمین است، در حالی که مسلماً اعتماد به ظن و تخمین در دین جایز نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ»^۳؛ «آنان جز از ظن پیروی نمی‌کنند و آنان جز تخمین نمی‌زنند». به علاوه، یکی از چیزهایی که این تأویل را تضعیف می‌کند آن است که بر خلاف برداشت خود راوی از خبر است؛ چراکه نواس بن سمعان

۱. بنگرید به: مسند أحمد، ج ۲۹، ص ۱۷۳؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۵۰؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۵۶؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۱۱۷؛ سنن الترمذي، ج ۴، ص ۸۱؛ الإیمان لابن منده، ج ۲، ص ۹۳۲؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۵۳۷.
۲. جامع معمر بن راشد، ج ۱۱، ص ۳۹۲؛ مسند إسحاق بن راهویه، ج ۵، ص ۱۶۹؛ مسند أحمد، ج ۴۵، ص ۵۵۲؛ المنتخب من مسند عبد بن حمید، ص ۴۵۷؛ الفتن لحنبلی بن إسحاق، ص ۱۵۱
۳. الأنعام/ ۱۱۶

از آن تلقی کنایه نداشته، بلکه آن را بر ظاهرش حمل کرده، به نحوی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی کیفیت نمازهای یومیّه در آن روزها سؤال کرده و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز بر اساس همین برداشت او، جوابش را داده است و این تقریر او بر آن محسوب می‌شود. از این رو، نووی گفته است: «قَالَ الْعُلَمَاءُ: هَذَا الْحَدِيثُ عَلَى ظَاهِرِهِ وَهَذِهِ الْأَيَّامُ الثَّلَاثَةُ طَوِيلَةٌ عَلَى هَذَا الْقَدْرِ الْمَذْكُورِ فِي الْحَدِيثِ»^۱؛ «علما گفته‌اند: این حدیث بر ظاهرش حمل می‌شود و آن سه روز، به همین اندازه‌ای که در حدیث ذکر شده است طولانی خواهد بود»، مگر اینکه گفته شود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم متناسب با عقل راوی به او پاسخ داده و این احتمالی قوی است و آنچه بر قوتش می‌افزاید این است که اکثر اخبار رسیده در باب صفات دجال، حالت رمز و کنایه دارد؛ مانند اخبار رسیده درباره‌ی اینکه او در جزیره‌ای از جزایر دریا با جنبنده‌ای پرمو به نام «جسّاسه» در بند است و اینکه او مانند رگباری که باد آن را می‌گرداند همه‌ی سرزمین‌ها جز مکه و مدینه را در می‌نوردد و اینکه او الاغی دارد که گوشش بر هفتاد هزار نفر سایه می‌اندازد و هر گام او چنین و چنان است و اینکه بین دو چشم او نوشته شده است: «کافر»، به نحوی که هر مؤمن باسواد یا بی‌سوادی آن را می‌خواند و اینکه او به همراه خود بهشت و دوزخ می‌دارد و دوزخ او بهشت است و بهشت او دوزخ است و اینکه او به همراه خود کوه‌هایی از نان و گوشت و رودهایی از آب دارد و چیزهایی از این دست که تقریباً به وضوح حالت رمز و کنایه دارند، بل انصاف آن است که خبر رسیده حاکی از اینکه مدت ماندن او در زمین چهل روز است که یک روز آن مانند یک سال و یک روز آن مانند یک ماه و یک روز آن مانند یک هفته و روزهای دیگرش مانند روزهای شماسست نیز تقریباً به وضوح حالت رمز و کنایه دارد؛ زیرا ممکن نیست که قبل از روز قیامت، واقعاً چنین روزهایی وجود داشته باشد. به همین دلیل، برخی عالمان سعی در تأویل این خبر داشته‌اند؛ چنانکه ابن منادی آن را تأویل کرده و گفته است: «الْمَعْنَى أَنَّهُ يَهْجُمُ عَلَيْكُمْ عَمَّ عَظِيمٌ لِشِدَّةِ الْبَلَاءِ، وَأَيَّامُ الْبَلَاءِ طَوَالٌ، ثُمَّ يَتَنَاقَصُ ذَلِكَ الْعَمُّ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي، ثُمَّ يَنْقُصُ فِي الثَّلَاثِ، ثُمَّ يَعْتَادُ الْبَلَاءَ، كَمَا يَقُولُ الرَّجُلُ: الْيَوْمَ عِنْدِي سَنَةٌ؛ إِلَّا أَنَّ الزَّمَانَ تَغَيَّرَ، كَقَوْلِ الشَّاعِرِ: **وَلَيْلُ الْمَجَبِّ بِلَا آخِرٍ**»؛ «معنای آن این است که به خاطر شدت بلا، اندوهی عظیم بر شما هجوم می‌آورد و روزهای بلا دراز خواهد بود، سپس آن اندوه در روز دوم کاهش می‌یابد و در روز سوم کمتر می‌شود و سپس حالت عادی پیدا می‌کند، چنانکه گفته می‌شود: امروز نزد من یک سال بود، در حالی که زمان به گونه‌ی دیگری است، مانند گفته‌ی شاعر که می‌گوید: **شام عاشق را پایانی نیست**» و حماد بن سلمه گفته است: «سَأَلْتُ أَبَا سِنَانَ عَنِ مَعْنَى ذَلِكَ، فَقَالَ: يَسْتَلِيئُونَ الْعَيْشَ، فَتَقْصُرُ الْأَيَّامُ عَلَيْهِمْ»؛ «از ابو سنان درباره‌ی معنای این خبر سؤال کردم، پس گفت: زندگی برایشان آسوده می‌شود و از این رو، روزها برایشان کوتاه جلوه می‌کند». ابن جوزی این دو تأویل را ذکر کرده و سپس گفته است: «هَذَا التَّأْوِيلُ الْمَذْكُورُ يَزِدُّهُ قَوْلُهُمْ بَعْدَ هَذَا: **أَتَكْفِينَا فِيهِ صَلَاةَ يَوْمٍ وَلَيْلِهِ؟ قَالَ: لَا، أَقْدُرُوا لَهُ قَدْرَهُ**، وَالْمَعْنَى: أَقْدُرُوا لِأَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ، غَيْرَ أَنَّ أَبَا الْحُسَيْنِ بَنَ الْمُنَادِي

۱. شرح صحیح مسلم للنووی، ج ۱۸، ص ۶۵

قَدْ طَعَنَ فِي صِحَّةِ هَذِهِ اللَّفْظَاتِ، يَعْنِي قَوْلَهُمْ: «اتَّكُفِينَا فِيهِ صَلَاةَ يَوْمٍ وَلَيْلِهِ؟ قَالَ: لَا، افْتَدِرُوا لَهُ قَدْرَهُ» فَقَالَ: هَذَا عِنْدَنَا مِنَ الْمَدَاسِيْسِ الَّتِي كَادَنَا بِهَا دُؤُوُ الْخِلَافِ عَلَيْنَا قَدِيمًا، وَلَوْ كَانَ ذَلِكَ صَحِيحًا لَأَشْتَهَرَ ذَلِكَ عَلَى أَلْسِنَةِ الرُّوَاةِ كَحَدِيثِ الدَّجَالِ، فَإِنَّهُ قَدْ رَوَاهُ ابْنُ عَبَّاسٍ وَابْنُ عَمْرٍو وَجَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَحَدِيثُ وَعْبَادَةُ بْنُ الصَّامِتِ وَأَبِي بَنْ كَعْبٍ وَأَبُو هُرَيْرَةَ وَسَمُرَةُ بْنُ جُنْدَبٍ وَأَبُو الدَّرْدَاءِ وَأَبُو مَسْعُودٍ الْبَدْرِيُّ وَأَنْسُ بْنُ مَالِكٍ وَعِمْرَانُ بْنُ حُصَيْنٍ وَمُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ وَمُجَمِّعُ بْنُ جَارِيَةَ فِي آخَرِينَ، وَلَوْ كَانَ ذَلِكَ لَقَوِيَ اشْتِهَارُهُ، وَلَكَانَ أَعْظَمَ وَأَفْظَعَ مِنْ طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَهَذَا الَّذِي قَالَهُ هُوَ الظَّاهِرُ^۱؛ «تأويل مذکور را این فراز حدیث رد می کند که می گوید: < آیا برای ما نمازهای یک شبانه روز کفایت می کند؟ فرمود: نه، زمانشان را محاسبه کنید > و معنای آن این است که زمان نمازها را با محاسبه تعیین کنید، هر چند ابو الحسین بن منادی اعتبار این الفاظ را به چالش کشیده است، یعنی این فراز خبر را که می گوید: < آیا برای ما نمازهای یک شبانه روز کفایت می کند؟ فرمود: نه، زمانشان را محاسبه کنید > و گفته است: این به نظر ما از جعلیاتی است که مخالفانمان از دیرباز بر ضد ما به کار گرفته اند و اگر صحیح می بود، قطعاً در میان راویان شهرت می یافت، مانند حدیث دجال که ابن عباس، ابن عمر، جابر بن عبد الله، حذیفه، عبادة بن صامت، ابي بن کعب، ابو هريرة، سمرة بن جندب، ابو درداء، ابو مسعود بدري، انس بن مالک، عمران بن حصین، معاذ بن جبل، مجمّع بن جارية و دیگران آن را روایت کرده اند و اگر این صحیح بود، قطعاً شهرت آن بسیار می شد و حتی عظیم تر و هولناک تر از طلوع خورشید از مغرب به نظر می رسید و این چیزی که او (یعنی ابن منادی) گفته، ظاهر است».

حاصل آنکه خبر رسیده درباره ی مدّت ماندن دجال در زمین ثابت نیست و اگر صحیح باشد، نمی توان آن را بر ظاهرش حمل کرد، هر چند حمل آن بر سه دوره ی زمانی مختلف از سلطه ی قدرت های کافر غربی در دو قرن اخیر نیز دلیل علم آوری ندارد^۲.



بایکة اطلاع بر سبب اختلاف در منصوصات هاشمی خراسانی
مجلس تحقیق و تبیین منصوصات هاشمی خراسانی



۱. کشف المشکل من حدیث الصحیحین لابن الجوزي، ج ۴، ص ۲۰۳
۲. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره ی دجال، به گفتار ۱۱۷ از گفتارهای جناب منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی مراجعه کنید.